

بزرگ‌ترین بازی پونزی در اقتصاد ایران

حسین جعفری
پژوهشگر اقتصاد

در دنیای واقعی گاهی برای هریک یزوهشگر اقتصاد مالی دیگران ونه از بازدهی منابع مالی خود به بازپرداخت بدهی‌های خود مشغول بوده‌ایم و ناخواسته و ندانسته وارد بازی پونزی در اقتصاد شده‌ایم. چارلز پانزی در ۱۹۲۰ میلادی در آمریکا اولین بار از این روش استفاده کرد و به همین دلیل این گونه طرح‌ها به نام او نامگذاری شده است. او با فروش کوپن‌های تخفیفی اداره پست به سرمایه‌گذاران وعده ۵۰ درصد سود را در ۴۵ روز یا ۱۰۰ درصد سود در ۹۰ روز می‌داد و توانست بیش از ۲۰ میلیون دلار کلاهبرداری کند. روش پانزی او این بود که با استفاده از سرمایه‌سرمایه‌گذاران پیشین و همچنین سرمایه‌گذاران جدید، سود اولین سرمایه‌گذاران را پرداخت می‌کرد. در اقتصاد، بازی پونزی در واقع یک عملیات سرمایه‌گذاری کلاهبردانه قلمداد می‌شود که در این بازی سود پرداختی به سرمایه‌گذاران یا از پول خودشان است یا از پول دیگر سرمایه‌گذاران تا اینکه در نتیجه یک فعالیت اقتصادی به دست آمده باشد. امروزه این پدیده در اقصی نقاط جهان در بانک‌ها و موسسات مالی رخ می‌دهد و در دهه ۸۰ شمسی، این پدیده تحت عنوان شرکت اینترنتی سرمایه‌گذاری به نام سوئیس کش وارد ایران شد. همچنین موسسات غیرمجاز مالی مصداق دیگری از بازی پونزی در بازار پول ایران است؛ که این موسسات با تبلیغات فریبنده وعده سود بیشتر از شبکه بانکی، سرمایه‌ای را جمع و بدون نظارت بانک مرکزی و تأمین سپرده قانونی نزد این بانک، به خلق پول بدون ضابطه مشغول بودند.

در سال ۹۲، تیم اقتصادی دولت حسن روحانی با شعار اقتصاد بازار و ایجاد شرایط رقابتی دست نامرئی بازار، فعالیت خود را آغاز کرد و این درحالی بود که بسیاری از ساختارها و نهادهای با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران قابلیت رقابت‌پذیری نداشته و همزمان با کاهش نرخ سود بانکی در جهان ما شاهد افزایش نرخ‌های سود بانکی به بالاترین مقدار در تاریخ کشور بوده‌ایم. نتیجه این آزادسازی نرخ سود بانکی، خلق نقدینگی و به واسطه افزایش ۴۱ درصدی ضریب فزاینده خلق نقدینگی و رشد ۱۵۰۰ درصدی استقراض بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی بود. همچنین تشدید بحران ترانزنامه بانک مرکزی از اثرات این آزادسازی بود. استمرار فعالیت بانک‌های خصوصی و اتلاف منابع توسط آنان موجب شکل‌گیری مرحله اول بازی پونزی و رقابت میان بانک‌ها برای پرداخت سودهای بالاتر به سپرده‌های بانکی شد. از نظر کارشناسان پرداخت سود بالای بانکی تبعاتی نظیر استمرار رکود در بخش خصوصی و تضعیف آن، تقویت فعالیت‌های نامولد مانند سفته‌بازی و سوداگری، خروج سرمایه از بخش‌های تولیدی، بی‌انگیزگی تولیدکنندگان و کاهش قدرت‌پذیری آنان را دارد. از سوی دیگر نیز این اتفاق عاملی برای رکود بنگاه‌های کوچک و متوسط با حاشیه سود پایین و ناتوانی این بخش در جذب سرمایه و رونق بنگاه‌های خصولتی و رانتی با حاشیه سود بالا در جذب سرمایه شد. درحالی که ۶۴ درصد از حجم نقدینگی توسط دولت یازدهم ایجاد شده بود؛ همزمان با آغاز دولت دوازدهم مرحله دوم بازی پونزی با عدم انجام تعهدات پرداخت سودهای بانکی آغاز شد. در این مرحله همزمان با بحران‌های ارزی در سال ۹۷ و کاهش ارزش پول ملی، سپرده‌گذاران در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن نه تنها سرمایه‌شان افزایشی نداشت بلکه در عمل یک سوم از سرمایه خود را نیز از دست دادند و در عمل بازی پونزی شکل گرفته با کاهش ارزش حقیقی پول ملی به میزان یک‌سوم و بدهی بانک‌ها به مردم و بخش خصوصی پایان یافت. برآیند این اتفاق و رویه‌های مالیاتی مزاحم تولید در کنار واردات کالاهای مصرفی سبب شد بخش خصوصی از منابع لازم برای رشد محروم مانده و در وضعیت رکود باقی ماند.

مورد ذکرشده از بازی پونزی در اقتصاد ایران، تنها یکی از ضرورت‌های نیاز به تغییر و اصلاح نظام بانکی در ایران است. هدف اصلی برنامه اصلاح نظام بانکی، بهبود وضعیت سلامت نظام بانکی، پیاده‌سازی و استقرار نظام حاکمیت شرکتی، اصلاح ساختار روابط دولت و سیستم بانکی، تقویت نقش نظارتی و تنظیم‌گری مقام پولی، بهبود فضای کسب‌وکار بانکی، زیرساخت‌های اطلاعاتی و مدیریت ریسک است.

این درحالی است که نظام بانکی در کنار نگاه اقتصادی دولت طی سالیان اخیر، موجب سیاست‌گذاری‌های اقتصادی غلطی شده است که در سال ۹۹ موجب شکل‌گیری بحران ارزی دیگری شده است؛ هرچند در سال جاری، تأثیرات شیوع ویروس کرونا و تحریم‌های آمریکا بر پیکره اقتصاد ایران نیز قابل کتمان نیست. از طرف دیگر، کسری بودجه دولت نیز به عنوان عامل دیگری برای ریزش دولت به استقرار از بانک مرکزی و دست بردن در بازار سرمایه است. بازاری که به گفته بسیاری از کارشناسان توانایی جبران کسری بودجه دولت را دارد ولی در صورت عدم مدیریت آن و نه صرفاً دخالت دولت در روند بازار توانایی شکل‌گیری بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی را نیز در پی دارد. برآیند تمامی عوامل ذکرشده جدا

از افزایش نقدینگی و پایه پولی و بیم از افزایش تورم در نیمه دوم سال، بی‌اعتمادی افراد به سیستم بانکی و تصمیمات اقتصادی دولت را می‌رساند و این خود به تنهایی موجب شده است مردم برای در امان ماندن از تورم آینده، شروع به تالاش و تکاپو برای سرمایه‌گذاری مستقیم در دارایی‌های گوناگون نظیر دلار، طلا، بازار سهام و ملک کنند. بی‌اعتمادی مردم به سیستم بانکی نیز از دیگر مشکلات پیش‌روی بانک مرکزی برای کنترل اوضاع به شمار می‌رود.



مهدی عبدللهی
دبیر گروه اقتصاد

مرکز آمار ایران اخیراً در گزارش مفصلی با استفاده از داده‌های آماری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر، به بررسی سه شاخص تمرکز شامل میزان تمرکز بنگاه مسلط، میزان تمرکز چهار بنگاه مسلط و شاخص هرفیندال-هیرشمن برای سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ پرداخته است. روش کار این گزارش ۳۳ صفحه‌ای مرکز آمار ایران بدین صورت است که با استفاده از داده‌های آماری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر، ابتدا با محاسبه شاخص هرفیندال-هیرشمن، ساختار بازار مشخص کرده و سپس شاخص‌های یک و چهار بازار مسلط به منظور فهم بهتر این طبقه‌بندی و نگاه عمیق‌تر به ساختار بازار بررسی شده‌اند. طبق نتایج گزارش مرکز آمار ایران، در سه سال مورد بررسی بازار انحصار ناقص سست (باز) بیشتر سهم (بیش از ۵۰ درصد) را در صنایع به خود اختصاص داده و کمترین سهم (حدود ۲ درصد) نیز از آن بازار رقابت انحصاری است. از سوی دیگر، حدود یک‌سوم صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر ساختاری کاملاً انحصاری دارند.

چرا انحصار ویرانگر است؟

نظریه رقابت کامل، مبنایی است که بر اساس آن می‌توان ساختار بازارهای مختلف را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. در حقیقت هرچه بازار به شرایط رقابتی نزدیک‌تر و از شرایط انحصار فاصله بیشتری داشته باشد، کارکرد بازار موردنظر از منظر کارایی و فرآیند تولید مناسب‌تر خواهد بود. حفظ وضعیت رقابتی در بازار از مهم‌ترین اهداف اقتصادی است؛ زیرا رقابت موجب ارتقای رفاه مصرف‌کننده و بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. میزان رقابت مؤثر در هر بازار، تابعی از ساختار آن بازار است؛ بنابراین، هرچه ساختار بازار در وضعیت مناسب‌تری باشد، می‌توان نسبت به وجود و بقای رقابت مؤثر در آن بازار امیدوارتر بود. به منظور تعریف ساختار مناسب، استانداردهایی می‌توانند بر اساس حداقل تعداد بنگاه‌های فعال در بازار و حداکثر سهم بازاری هر یک تعریف شوند. تمرکز، یکی از جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بازار است و شاید مهم‌ترین متغیر ساختاری باشد. یکی از روش‌های عملی برای اندازه‌گیری قدرت بازار بر مفهوم تمرکز بازار استوار است و به شاخص تمرکز معروف است. در تعریف این واژه می‌توان گفت تمرکز، چگونگی و نحوه تقسیم بازار بین بنگاه‌ها را اندازه‌گیری می‌کند.

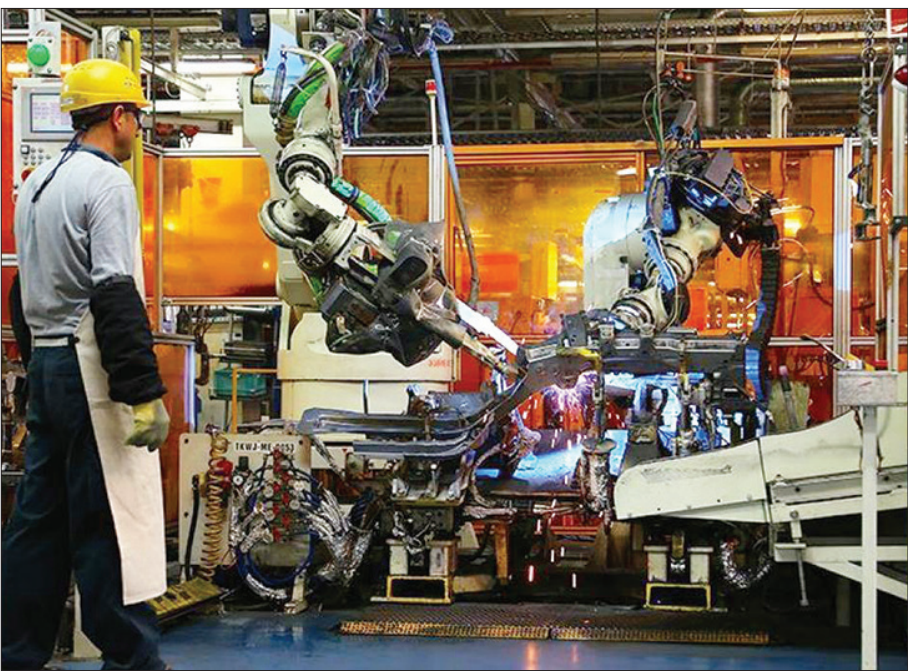
بازار به مفهوم یک نهاد و ساز و کار اقتصادی دارای طیفی از ساختارهاست که از «رقابت کامل» آغاز می‌شود و به «انحصار کامل» ختم می‌شود. تفاوت اصلی حالت انحصار با حالت رقابت کامل قدرت اعمال محدودیت توسط تولیدکننده (انحصار فروش) یا توسط خریدار (انحصار خرید) است. در رقابت کامل، هیچ یک از واحدها نمی‌توانند محدودیتی یا شرطی بر دیگر واحدها اعمال کنند. همه فروشندگان و خریداران مجبورند در قیمت بازار خرید و فروش کنند. اما در انحصار، انحصارگر دارای قدرت اعمال محدودیت بر دیگران است؛ یعنی قیمت یا مقدار را آنگونه که به نفع او باشد تعیین می‌کند. آنچه در انحصار نامطلوب است، همین قدرت اعمال محدودیت توسط انحصارگر است.

در واقعیت، هیچ بازاری منطبق با شرایط آرمانی رقابت کامل نیست و آنچه وجود دارد رقابت ناقص است که در نهایی‌ترین شکل خود به انحصار کامل می‌رسد. بنابراین، نوع بازارها و اندازه شرکت‌ها بین این دو دامنه قرار می‌گیرد که مشخصه اصلی آنها بازارهایی با ساختار رقابت ناقص است. این تفاوت‌ها به طور عمده از سطح تمرکز فروشندگان، تمرکز خریداران، شرایط ورود و درجه تفاوت کالا ناشی می‌شود. عامل تعیین‌کننده در تعریف بازار تعداد، نحوه توزیع و قدرت بازاری فروشندگان و خریداران است که «تمرکز بازار» نامیده می‌شود. تمرکز در بازار عبارت از چگونگی توزیع بازار بین بنگاه‌های مختلف است. به عبارت دیگر، تمرکز بازار دالالت بر آن دارد که چه میزان از کل تولیدات بازار یک محصول معین در اختیار تعدادی از بنگاه‌های بزرگ است.

به لحاظ نظری سه عامل را می‌توان در تغییر تمرکز دخیل دانست: اول اینکه با افزایش تمرکز در سطح صنایع انفرادی می‌توان انتظار داشت تمرکز کلی در سطح کل اقتصاد نیز افزایش یابد. دوم آنکه با افزایش ارزش تولید در صناعی که تمرکز آنها بالاتر از حد متوسط اقتصاد است، تمرکز کلی نیز افزایش می‌یابد و سوم، ادغام بنگاه‌های بزرگ که این امر منجر به افزایش و تنوع محصولات این بنگاه‌ها و افزایش سهم آنها و در نهایت به افزایش تمرکز کلی منجر می‌شود. تحت شرایطی، حتی اگر تمرکز بازار در سطح صنایع انفرادی کاهش یابد، می‌توان انتظار داشت با ادغام بنگاه‌های بزرگ و ایجاد گروه‌های متمرکز، تمرکز کلی اقتصاد افزایش یابد.

در ۱۳ صنعت ۵۰ درصد بازار در اختیار یک شرکت

مرکز آمار ایران در این بررسی ابتدا برای درک وضعیت تمرکز در بنگاه‌های صنعتی از شاخص‌های تمرکز ۱ و ۴ بنگاه مسلط و هرفیندال-هیرشمن را با استفاده از داده‌های آماری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر، برای متغیر فروش در سطح کدهای چهار رقمی برای سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ محاسبه کرده است. نتیجه محاسبات به تفکیک کدهای فعالیت اقتصادی ۴ رقمی در پیوست این گزارش موجود است،



با این حال به دلیل حجم بالای محاسبات و جداول، در این گزارش به نتایج جزئی جداول نمی‌پردازیم.

اما نگاهی کلی به ساختار بازار بر اساس شاخص هرفیندال-هیرشمن در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ توزیع بنگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر از نظر وضعیت تمرکز بر اساس شاخص هرفیندال-هیرشمن و سهم آنها از ارزش افزوده و تعداد شاغلان در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد در سه سال مورد بررسی «بازار انحصار ناقص باز (سست)» بالاترین سهم یا نیمی از فروش بازار را در اختیار دارد و «بازار رقابت انحصاری» دارای کمترین سهم، حدود ۲ درصد، است. حدود یک‌سوم صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر ساختار بازار انحصار کامل را دارد که البته

در سال ۱۳۹۷ سهم آن کمی کاهش یافته است. در جدول دیگری مرکز آمار به بررسی سهم بازارهای مختلف از ارزش افزوده و اشتغال کل صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ پرداخته است. با وجود سهم حدود یک‌سومی بازار انحصار کامل در صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر، سهم ارزش افزوده و اشتغال آن بسیار پایین است. دلیل این موضوع می‌تواند تعداد کم بنگاه‌هایی است که در این صنایع فعال هستند. به عبارتی در برخی از کدهای فعالیت که در این دسته طبقه‌بندی شده‌اند چند بنگاه محدود فعالیت می‌کنند.

موضوع دیگر که در گزارش به آن اشاره شده، وضعیت شاخص‌های یک و چهار بنگاه مسلط در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ است. لازم به ذکر است شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن از اطلاعات تمام بنگاه‌های موجود در بازار استفاده می‌کند که این موضوع یکی از مزیت‌های این شاخص است، اما به نظر می‌رسد در صورتی که در کنار آن شاخص تمرکز بنگاه نیز محاسبه و بررسی شود، کمک‌شایانی به درک بهتر وضعیت بازار کند. در جدولی که مرکز آمار به آن اشاره داشته، سهم صناعی که در آنها یک یا چهار بنگاه مسلط بیش از نیمی از فروش بازار

وضعیت کمترین و بیشترین تمرکز و انحصار در برخی صنایع ایران براساس داده‌های فعالیت‌های اقتصادی کشور			
صنعت	شاخص هرفیندال-هیرشمن	سهم یک بنگاه مسلط (درصد)	سهم چهار بنگاه مسلط (درصد)
تولید انواع ساعت	۲۶۳۴	۳۵	۱۰۰
تولید قایق‌های تفریحی و ورزشی	۱۰۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ساخت تجهیزات نیروی سیال	۴۱۷۱	۵۸٫۱	۹۸٫۱
تعمیر تجهیزات برقی	۵۸۶۲	۷۵٫۴	۹۲٫۱
تولید مولدهای بخار به‌جز دیگ آب گرم	۳۲۵۹	۴۸٫۱	۹۱٫۸
تقطیر، تصفیه و ترکیب الکل سفید	۳۶۷۸	۵۵٫۱	۹۰٫۸
ساخت تجهیزات پرتودهی؛ الکتروپزشکی و الکترودرمانی	۲۶۱۸	۳۹٫۹	۹۰٫۳
ساخت کالاهای مصرفی الکترونیکی	۲۸۱۸	۴۱٫۵	۸۹٫۳
تولید جواهرات و کالاهای وابسته	۵۲۰۳	۶۰٫۱	۸۶٫۷
تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو	۴۴۷۶	۶۵٫۷	۸۴
تولید کود شیمیایی و ترکیبات نیتروژن	۲۳۹۷	۴۲٫۴	۸۳
تولید اجاق و کوره و مشعل کوره	۴۱۹۸	۶۳٫۶	۸۲٫۹
تولید ماشین‌آلات متالورژی-ذوب فلزات	۴۳۰۵	۶۳٫۸	۸۲٫۳
تولید کشتی و سازه‌های شناور	۳۶۶۳	۵۸٫۶	۸۲٫۳
تولید مالتا و ماء‌الشعیر	۲۴۶۹	۴۳٫۳	۸۰٫۵
تعمیر تجهیزات حمل‌ونقل به‌جز نقلیه موتوری	۲۲۰۱	۳۶٫۲	۷۹٫۹
تولید باتری و انبار	۲۶۷۷	۴۷٫۴	۷۸٫۸
تعمیر محصولات فلزی ساخته‌شده، اپتیکی و...	۱۷۹۹	۲۴٫۵	۷۷٫۹
تولید سایر تجهیزات برقی	۲۴۰۱	۴۱	۷۷٫۵
تولید ماکارونی، نودل و ورمیشل	۲۱۴۷	۳۸٫۷	۷۷٫۱
تولید کالاهای ورزشی	۲۶۱۱	۴۸	۷۲٫۴
تولید ابزارهای اپتیکی و تجهیزات عکاسی، رسانه نوری	۳۹۳۲	۵۶٫۶	۷۱٫۲
تولید ماشین‌آلات کشاورزی و جنگلداری	۳۵۵۵	۵۹٫۱	۷۰٫۲
تعمیر ماشین‌آلات	۲۷۵۱	۳۷٫۶	۷۰
تولید قالی و قالیچه	۲۱۲	۵٫۳	۱۴٫۲
تولید پوشاک کشیاف و قلاب‌بافی‌شده	۳۱۳۶	۵٫۳	۹٫۴
تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی	۱۲۷	۳	۸٫۴
تولید غذای آماده حیوانات	۱۷۵	۲٫۶	۷٫۳
تولید فرآورده‌های اسباب‌غلت	۹۷	۲٫۱	۶٫۴
تولید فرآورده‌های پلاستیکی به‌جز کفش	۱۱۲	۱٫۳	۴٫۸
برش و شکل‌دهی و پرداخت سنگ	۱۴۴	۱٫۵	۲٫۹

منبع: مرکز آمار ایران

در برخی صنایع، یک بنگاه صاحب نیمی از صنعت است

۱۳ صنعت فرا انحصاری ایران را بشناسید



فعالیت تولید و سایل نقلیه موتوری نشان می‌دهد اگر این فعالیت را به دو گروه قطعات و تولید خودرو تفکیک کنیم، برآیند سه شاخص هرفیندال-هیرشمن، سهم یک و چهار بنگاه مسلط حاکی از آن است که فعالیت تولید قطعات خودرو بازاری به شدت انحصاری دارد و نه تنها شاخص هرفیندال-هیرشمن عددی بسیار بزرگ دارد، که یک بنگاه مسلط بیش از ۸۷ درصد سهم بازار را در سه سال به خود اختصاص داده و سهم فروش چهار بنگاه مسلط در سال‌های مورد بررسی بیش از ۹۵ درصد کل فروش در این صنعت است. در فعالیت تولید خودرو با وجود اینکه شاخص هرفیندال-هیرشمن ساختار انحصار ناقص بسته را نشان می‌دهد، دو شاخص سهم یک و چهار بنگاه مسلط بیانگر تمرکز بالای فروش این صنعت بین چند بنگاه مسلط است.

تورم شفافیت در زمینه انحصار

در این گزارش بررسی ساختار و وضعیت تمرکز بازار در سطح کدهای ۴ رقمی فعالیت اقتصادی برای کل صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ انجام شده است. نتایج شاخص هرفیندال-هیرشمن حاکی از سهم بالای صنایع انحصاری، حدود یک‌سوم، در صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر در ایران است. همچنین بالاترین سهم، بیش از نیمی از صنایع، مربوط به بازار انحصار ناقص سست یا باز است. بررسی دو شاخص سهم یک و چهار بنگاه مسلط اطلاعات بسیار مفیدی در تکمیل اطلاعات شاخص هرفیندال-هیرشمن فراهم می‌کند.

در مواردی ممکن است با وجود اینکه یک صنعت بر اساس طبقه‌بندی شاخص هرفیندال-هیرشمن در محدوده انحصار کامل یا انحصار ناقص سخت یا بسته قرار نگیرد، اما بررسی شاخص‌های سهم یک و چهار بنگاه مسلط نشان می‌دهد که یک یا چهار بنگاه سهم بالایی از کل صنعت در اختیار دارند، اما وجود تعداد زیادی بنگاه خرد باعث تعدیل شاخص هرفیندال-هیرشمن شده است. همچنین در صورت بررسی دقیق‌تر داده‌های خام و تفکیک برخی کدهای فعالیت اقتصادی استفاده‌شده به زیرگروه‌ها، نتایج به دست آمده بسیار ملموس‌تر است. مشاهده شد که با تفکیک یک فعالیت تولید خودرو به دو زیرگروه «تولید خودرو» و «تولید قطعات خودرو»، زیرگروه دوم ساختاری کاملاً انحصاری را نشان می‌دهد. یکی از راه‌هایی که نتایج ملموس‌تر و روشن‌تری از ساختار بازار در اختیار می‌گذارد، اندازه‌گیری این شاخص‌ها به تفکیک کدهای کالایی، مناطق جغرافیایی و کدهای کالای خاص است. نگاهی به جداول تصویلی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد همچنان در برخی صنایع که خروجی آنها کالاهایی بسیار پرمصرف و مورد نیاز خانوار مانند خودرو است، وضعیت ساختار انحصار ناقص است که در عالم واقع این مسئله بر کیفیت و قیمت کالای خروجی بسیار مؤثر است. همچنین در شرایط فعلی اقتصاد ایران، وجود تحریم‌ها و عدم حضور رقبا خارجی در بسیاری صنایع، به این وضعیت دامن زده است. در صورتی که نهادهای متولی چنین گزارش‌هایی را به صورت شفاف و متناوب منتشر کنند و بر اساس نتایج گزارش‌ها اقدام لازم را در جلوگیری از بروز انحصار بیشتر و تعدیل شرایط انحصاری برخی صنایع انجام دهند، می‌توان انتظار بهبود وضعیت رقابتی جامعه را داشت.

انحصار عجیب در قطعه‌سازی و خودرو سازی

با توجه به اینکه گاه کدهای فعالیت اقتصادی (ISIC) رسته‌های متنوعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد، به نظر می‌رسد برای شناخت بهتر ساختار بازار صنایع ۱۰ کارکن و بیشتر نیاز به شکستن صنایع به زیرکدهای آنها است. در این حالت نتایج بسیار واقعی‌تر و ملموس‌تر خواهد بود. برای مثال بررسی کد